



دیوان عالی کشور

وظایف و اختیارات قانونی

تألیف:

فرانک توحیدخواه

(کارشناس دادگستری و مدرس دانشگاه)

سرشناسه	: توحیدخواه، فرانک، ۱۳۵۲-
عنوان قراردادی	: ایران. قوانین و احکام
عنوان و نام پدیدآور	: دیوان عالی کشور: وظایف و اختیارات قانونی / تألیف: فرانک توحیدخواه.
مشخصات نشر	: تهران: خرسندی، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	: ۲۳۶ ص.
شابک	: 978-600-114-212-3
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: دیوان عالی کشور
موضوع	: آرای حقوقی - ایران
موضوع	: رویه قضایی - ایران
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۱ ۲۹۵۹ / ت ۴۴۰ / KMH۴۴۰
رده‌بندی درویی	: ۳۴۷/۵۵۰۳۵۱۴
شماره کتاب‌شناسی ملی	: ۲۷۰۷۶۱۰

انتشارات خرسندی

نمایشگاه و فروشگاه کتب فقهی، حقوقی و علوم سیاسی

تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروز دین

پائین تر از خیابان لبافی‌نژاد، کوچه مینا، پلاک ۲۰

تلفن: ۵ - ۶۶۹۷۱۰۳۴ و ۵ - ۶۶۴۹۰۵۸۴

پست الکترونیک: www.Khorsandy.pub@gmail.com

سایت اینترنتی: www.Khorsandypub.com

دیوان عالی کشور (وظایف و اختیارات قانونی)

تألیف: فرانک توحیدخواه

چاپ اول: ۱۳۹۱ - شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

حروفچینی: زرتنگاران مهرخلاق

قیمت: ۸۰۰۰۰ ریال

ISBN: 978-600-114-212-3

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۴-۲۱۲-۳

فهرست مطالب

۱۱		مقدمه
۱۷		پیشگفتار
		فصل اول: کلیات
۲۳		مبحث اول - سازمان قضایی ایران
۲۳		گفتار اول - سازمان قضایی ایران در ادوار تاریخ
۲۳		بند اول: دوران پیش از اسلام
۲۵		بند دوم: دوران اسلامی
۲۸		بند سوم: دوران معاصر
۳۲		گفتار دوم: سازمان قضایی ایران پس از انقلاب اسلامی
۴۱		مبحث دوم - پیشینه دیوان عالی کشور
۴۱		گفتار اول: پیشینه دیوان عالی کشور در حقوق فرانسه
۴۴		گفتار دوم: پیشینه دیوان عالی کشور در حقوق ایران
۵۱		مبحث سوم: تشکیلات، وظایف و صلاحیت‌های دیوان عالی کشور
۵۱		گفتار اول: تشکیلات دیوان عالی کشور
۵۴		گفتار دوم: وظایف و مسئولیت‌های رئیس دیوان عالی کشور
۵۵		گفتار سوم: وظایف و صلاحیت‌های دیوان عالی کشور
۵۶		بند اول: حل اختلاف در صلاحیت دادگاه‌ها
۵۸		بند دوم: ایجاد وحدت رویه قضائی
۵۸		بند سوم: نظارت بر اجرای صحیح قوانین در دادگاه‌ها
۶۱		بند چهارم: تجدیدنظر از آراء دادگاه‌های کیفری و رسیدگی فرجامی آراء مدنی
۶۲		بند پنجم: تجدیدنظر از آراء قطعی دادگاه‌ها
۶۵		بند ششم: اجازه اعاده دادرسی نسبت به احکام کیفری
۶۸		بند هفتم: اجازه احاله پرونده کیفری
۶۹		بند هشتم: رسیدگی به تخلف رئیس جمهور

فصل دوم: اختلاف در صلاحیت و ایجاد رویه قضایی

- مبحث اول: اختلاف در صلاحیت و موجبات آن ۷۵
- گفتار اول: تعاریف اختلاف در صلاحیت ۷۵
- گفتار دوم: موجبات ایجاد اختلاف در صلاحیت ۷۶
- بند اول: تشخیص نادرست صلاحیت ۷۶
- بند دوم: اشتباه در ملاک صلاحیت ۷۷
- گفتار سوم: انواع اختلاف در صلاحیت ۷۹
- بند اول: اختلاف در صلاحیت منفی ۷۹
- بند دوم: اختلاف در صلاحیت مثبت ۸۰
- مبحث دوم: نحوه حل اختلاف در صلاحیت ۸۱
- گفتار اول: نحوه حل اختلاف در صلاحیت بین دادگاه‌های عمومی ۸۱
- گفتار دوم: نحوه حل اختلاف در صلاحیت بین دادگاه عمومی، انقلاب و نظامی ۸۲
- گفتار سوم: حل اختلاف در صلاحیت بین مراجع قضایی و مراجع غیرقضایی ۸۳
- گفتار چهارم: نحوه حل اختلاف در صلاحیت بین دادگاه عمومی و دیوان عدالت اداری ۸۸
- گفتار پنجم: نحوه حل اختلاف در صلاحیت بین مرجع عالی و مرجع تالی ۹۰
- مبحث سوم: جایگاه و اهمیت رویه قضایی ۹۱
- گفتار اول: تعاریف رویه قضایی ۹۲
- گفتار دوم: ویژگی‌های رویه قضایی ۹۵
- بند اول: الزام آور بودن ۹۵
- الف. الزام معنوی ۹۵
- ب. الزام قانونی ۹۶
- بند دوم: سامان یافته بودن ۹۷
- بند سوم: ضرورت تکرار ۹۷
- بند چهارم: کلی بودن ۹۸
- گفتار سوم: ارتباط رویه قضایی با عرف و قانون ۹۸
- گفتار چهارم: اهمیت رویه قضایی در حقوق ایران ۱۰۲
- گفتار پنجم: جایگاه رویه قضایی در دیگر نظام‌های حقوقی ۱۰۴
- مبحث چهارم: نحوه ایجاد رویه قضایی ۱۰۷
- گفتار اول: لزوم تفسیر قانون ۱۰۷
- بند اول - طرق تفسیر ۱۰۸
- بند دوم - تفسیر به اعتبار حدود و شمول قانون ۱۰۹
- بند سوم - تفسیر به اعتبار مرجع تفسیر کننده ۱۰۹
- گفتار دوم: نقش دیوان عالی کشور در ایجاد رویه قضایی ۱۱۲
- گفتار سوم: منابع قانونی ایجاد رأی وحدت رویه در قوانین پیشین ۱۱۴
- بند اول - قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹/۴/۲: ۱۱۵
- بند دوم - ماده واحده قانون مربوط به وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸/۴/۷ ۱۱۵

- بند سوم- ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۷/۵/۱ ۱۱۶
 بند چهارم- ماده ۲۰ قانون اصلاح باره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶ ۱۱۷
 گفتار چهارم- مقررات جدید راجع به ایجاد وحدت رویه قضائی ۱۱۷

فصل سوم: تجدیدنظر از آراء کیفری، فرجام‌خواهی، موارد نقض و اقدامات پس از آن

- مبحث اول: تجدیدنظر از آراء دادگاه‌های کیفری ۱۲۷
 گفتار اول: موارد تجدیدنظر از آراء کیفری با مرجعیت دیوان عالی کشور ۱۲۷
 گفتار دوم: تصدیقات دیوان عالی کشور ۱۲۸
 گفتار سوم: تجدیدنظرهای تابع مقررات خاص ۱۳۱
 بند ۱- احکام دادگاه‌های انقلاب در امور مربوط به مواد مخدر: ۱۳۱
 بند ۲- تجدیدنظرخواهی از آراء دادگاه‌های نظامی ۱۳۲
 گفتار چهارم: تجدیدنظرخواهی از طریق دادستان کل کشور ۱۳۲
 مبحث دوم: آراء قابل فرجام و آراء غیرقابل فرجام ۱۳۴
 گفتار اول: آراء قابل فرجام ۱۳۵
 بند اول: آراء قابل فرجام صادره از دادگاه بدوی ۱۳۶
 بند دوم: آراء قابل فرجام صادره از دادگاه تجدیدنظر ۱۳۹
 گفتار دوم: آراء غیرقابل فرجام ۱۴۵
 بند اول: احکام مستند به اقرار قاطع دعوی در دادگاه ۱۴۶
 بند دوم: احکام مستند به نظریه کارشناس ۱۵۰
 بند سوم: احکام مستند به سوگند قاطع دعوی ۱۵۱
 بند چهارم: احکام غیرقابل فرجام بدلیل اسقاط حق فرجام‌خواهی ۱۵۲
 بند پنجم: احکام راجع به متفرعات دعوی ۱۵۲
 بند ششم: احکام غیرقابل فرجام به موجب قوانین خاص ۱۵۲
 مبحث سوم: آئین فرجام‌خواهی ۱۵۳
 گفتار اول: اصحاب دعوی در فرجام ۱۵۴
 بند اول: فرجام‌خواهی طرفین دعوی، قائم مقام، نمایندگان قانونی و وکلای آنان ۱۵۴
 بند دوم: فرجام‌خواهی دادستان ۱۵۶
 گفتار دوم: ترتیب فرجام‌خواهی ۱۵۷
 گفتار سوم: دادخواست فرجامی، شرایط و مهلت ارائه آن ۱۵۹
 گفتار چهارم: مرجع ارائه دادخواست رسیدگی فرجامی ۱۶۳
 گفتار پنجم: وضع دادخواست فرجامی پس از ارائه آن ۱۶۳
 گفتار ششم: آثار فرجام‌خواهی ۱۶۵
 بند اول- اثر فرجام نسبت به سایر اشخاص ۱۶۶
 بند دوم- اثر تعلیقی فرجام‌خواهی ۱۶۶
 بند سوم- اثر انتقالی فرجام‌خواهی ۱۶۹
 مبحث چهارم: موارد نقض آراء در دیوان عالی کشور ۱۷۱

۱۷۲.....	گفتار اول: نقض رأی به سبب عدم صلاحیت دادگاه.....
۱۷۶.....	گفتار دوم: نقض رأی به دلیل مغایرت با مقررات قانونی و موازین شرعی.....
۱۷۹.....	گفتار سوم: نقض رأی به دلیل عدم رعایت اصول دادرسی و قواعد آمره و حقوق اصحاب دعوی.....
۱۸۲.....	گفتار چهارم: نقض به دلیل صدور آراء مغایر.....
۱۸۶.....	گفتار پنجم: نقض رأی به دلیل نقص تحقیقات و عدم توجه به دلایل.....
۱۸۷.....	گفتار ششم: نقض رأی به دلیل تعارض بین اسباب مواجهه و منطوق رأی.....
۱۸۸.....	گفتار هفتم: نقض به دلیل سوء تفسیر قرارداد.....
۱۹۰.....	گفتار هشتم: نقض به دلیل اثبات عدم صحت مستندات رأی.....
۱۹۱.....	مبحث نهم: اقدامات دیوان عالی کشور.....
۱۹۱.....	گفتار اول: ترتیب رسیدگی در دیوان عالی کشور قبل از اتخاذ تصمیم.....
۱۹۳.....	گفتار دوم: تصمیمات دیوان عالی کشور، پس از رسیدگی.....
۱۹۶.....	گفتار سوم: اقدامات دیوان عالی کشور پس از نقض.....
۲۰۱.....	گفتار چهارم: آراء هیئت عمومی دیوان عالی کشور و نمونه آراء.....
۲۰۵.....	ضمائم: نمونه آراء.....
۲۳۳.....	فهرست منابع و مآخذ.....

علائم اختصاری

- آ. ا. ق. ت. د. ع. ا. آئین نامه اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب
- آ. د. د. ع. ا. آئین دادرسی دیوان عدالت اداری
- ق. ا. قانون اساسی
- ق. ا. ق. ت. د. ع. ا. قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب
- ق. ت. د. ع. ا. قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب
- ق. آ. د. ک. قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری
- ق. آ. د. م. قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی

مقدمه

هر جامعه‌ای دارای دو حالت آمرانه ثبات و تغییر است باید ثبات حق را با تحرک تکامل، مطابقت داد زیرا امروزه در میدان‌های وسیع و آزاد حقوقی، مسائل و موضوعاتی وجود دارند که اثری از آن در قرن‌ها و حتی دهه‌های قبل وجود نداشته لذا وظیفه جامعه حقوقی است که با انجام تحقیقات بدیع، ثبات حق را با تحرک تکامل مطابقت دهند؛ این امر با پژوهش و تحقیقات نوین صاحبان اندیشه در عرصه علم حقوق و در نتیجه اصلاح قواعد حقوقی در داخل و همچنین اصلاح معاهدات در سطح بین‌الملل امکانپذیر خواهد بود تا از این طریق قضات دستگاه قضایی که امر خطیر اجرای عدالت در جامعه را برعهده دارند به تکنیک‌های حقوقی و باریک بینی‌های خاص آن بخوبی واقف شده و به معنی واقعی تجسم درخشان سیستم حقوقی جامعه خویش گردند و با مدد گرفتن از این دانش بصورت آرائی متقن و مستحکم بپردازند که در صورت قطعی شدن آن بصورت رویه قضایی در آید و الا تکرار پاسخهای کهن در برابر سوالات و مشکلات نوین امری عبث و بیهوده خواهد بود. تحقیقات و پژوهش‌های جامع، کامل و دقیق در امور حقوقی و قضایی وظیفه خطیری است که محافل فکری، کانون‌های اندیشه‌ای، و صاحب نظران جامعه حقوقی و صاحبان اندیشه و قلم باید در عرصه آن قیام و اقدام نمایند.

زیرا پیچیده شدن روابط اقتصادی - اجتماعی و توسعه بیمارگونه جوامع شهری و از سوی دیگر، ظرافت‌های ضروری علم حقوق و ضرورت همراه نمودن مباحث تئوریک با تجارب قضایی و دهها عامل دیگر، اقتضای غنی شدن این پشتوانه علمی را همواره نمایان نموده تا با انجام این گونه تحقیقات و ارائه آن به جامعه حقوقی مناسبات و ارتباطات اجتماعی خصوصاً نیازهای حقوقی یک جامعه بیش از پیش مشخص و نظم‌پذیر گردد.

زحمات ارزنده همکار فاضل و فرهیخته سرکار خانم فرانک توحیدخواه محقق و مؤلف ارزشمند کتاب «دیوان‌عالی کشور، وظائف و اختیارات قانونی» را باید در راستای تلاش فوق‌الذکر بررسی نموده و آن را ستود. حوصله و پشتکاری که در خلق این اثر از خود بخرج داده‌اند تحسین برانگیز بوده و از محضر خداوند سبحان موفقیت ایشان را در ارائه آثار علمی جدید مسئلت می‌نمایم و امیدوارم این تحقیق ارزنده در لحظات طلائی رسیدگی به پرونده‌ها و رفع تنگناها مورد استفاده قضات، وکلای محترم و همچنین دانشجویان عزیز علم حقوق قرار بگیرد.

دکتر حسن حمیدیان

قاضی دیوان‌عالی کشور، مدیرکل هماهنگی امور استانها و سازمانهای وابسته قوه قضائیه و مدرس دانشگاه

www.ketab.ir

وفای شمع را نازم

که بعد از سوختن هر دم

به سر خاکستری در ماتم پروانه می ریزد

شمع از نظر علمی، فلسفی، حقوقی، تجاری و فنی قطعه مومی است که نخ‌ی از پنبه در میانش قرار داده‌اند و پروانه، موجود زنده یا حشره‌ای است که به هنگام مشاهده نور به گرد آن می‌چرخد.

اما از نظر احساس و خیال، وجدان و ضمیر انسانی، گردش پروانه به دور شمع یک حس و واقعه عظیم انسانی و نشانه عشق و وفاداری و از خودگذشتگی است. در برابر این حادثه، وجدانی به اوج لذت و تحسین می‌رسد و وجدانی دیگر بی‌تفاوت از کنارش می‌گذرد و وجدان سومی آن را به مسخره می‌گیرد.

انسان‌ها به میزان دانش، بینش، خواش، ارزشمندی و قوت و ضعف منافع شخصی و جمعی نسبت به آن و سایر پدیده‌ها به قضاوت می‌پردازند و قطعاً قضاوت هر یک، به نوع نگاه آنها بر می‌گردد.

یکی درد و یکی درمان پسندد من از درمان و درد، پسندم آنچه را جانان پسندد. نگاه‌های فلسفی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... هریک می‌تواند خواه ناخواه نقش به‌سزایی در نتیجه قضاوت ما داشته باشد. آری در درون وجدان آدمی حفره‌ای خالی وجود دارد و قضاوت آدمیان، وابسته به جنس و نوع پرشدن این حفره دارد که اگر با حقایق و مفاهیم عالی پر شود یک نوع رفتار از خود نشان می‌دهد و اگر مفاهیم دیگری در آن پر شود رفتاری متفاوتی از خود بروز می‌دهد. میزان تمایلات، طرفداری و اعتراض وابسته به همین حفره خالی است. همانطور که روح غربی‌ها و شرقی‌ها متفاوت است. در قضاوت سه مرحله وجود دارد: ۱. شناخت موضوع ۲. ارزیابی ۳. پذیرش یا رد، حکم به خوب و بد و حق یا باطل دادن.

آری علیرغم طی این مراحل گاه اشتباهات بزرگی مرتکب می‌شویم. حتی بزرگتر از اشتباه پدران خود، مگر آنها به اشتباه تصور نمی‌کردند زمین مسطح است، مگر به اشتباه تصور نمی‌کردند که خورشید به دور زمین می‌گردد. هزاران اشتباه بزرگ را درست می‌پنداشتند. ما نیز امروزه هر روز و هر ساعت در تحقیق و تشخیص و تحکیم خود اشتباهات فاحشی مرتکب می‌شویم که بخشی از آنها را شاید تا آخر عمر خود در نیابیم و پس از سالها بر فرزندان ما آشکار می‌شود که ما بر خطا بودیم. پس آیا بهتر نیست بر نظرات خود به دیده تردید بنگریم و بر آراء و نظرات دیگران به احترام نیم‌نگاهی داشته باشیم. پافشاری و اصرار بیش از حد به داشته‌های خود و حذف و رد مطلق دیگران تجربه مردود در طول تاریخ بشر و حتی تاریخ زندگی خودمان بوده است. تغییر مکرر قانون، حذف دادرها، احیاء دادرها، توسعه اختیارات دیوان عالی کشور به ایجاد محدودیت در اختیار دیوان، حذف اختیارات دادستان کل کشور، توسعه اختیارات، حذف اختیارات وزیر دادگستری، ایجاد شعب تشخیص با آن گستردگی و حذف آن به یکباره، توسعه اعمال ماده ۱۸ اختیارات رئیس قوه و حذف آن با همان حدت و شدت نشانه چیست؟ کجای کار ایراد و اشکال دارد؟ آری امروز هم مانند دیروز طی خواهد شد.

همان ایرادات که ما بر پیشینیان روا می‌داریم فردا بر ما خواهند گرفت. بهتر نیست با خود رفتاری بهتر داشته باشیم؟

زحمتی را که سرکار خانم توحیدخواه کشیده‌اند برای تبیین نگاه بهتر به دیوان عالی کشور، اختیارات، وظائف، شرایط و ارکان این نهاد قضایی صورت پذیرفته و در نوع خود ارزنده و بیانگر وضعیت گذشته و حال این مرجع است. انشاءاله با انجام مطالعات تطبیقی بیشتر، به منظور اتخاذ راهکارهای ارتقاء این مرجع راهگشا باشد.

دکتر بهرام بهرامی

قاضی سابق دیوان عالی کشور

وکیل دادگستری و عضو هیات علمی دانشگاه

به نام خداوند داد و دینش

در خصوص مرجع دیوان عالی کشور و وظائف، اختیارات و نحوه رسیدگی آن در کتاب‌های آیین دادرسی مدنی و کفای مطالبی آورده شده ولی علیرغم جایگاه والای نظارتی دیوان عالی کشور به عنوان یک مرجع عالی قضائی، به تفصیل و مستقل به این مرجع، پرداخته نشده است. همین امر نگارنده را بر آن داشت تا به منظور تسهیل دسترسی دانشجویان و علاقمندان، این نوشتار را به رشته تحریر در آورد.

به نقل از بزرگان ادیب، صرفاً خداوند باری تعالی این توانایی را دارد که با نخستین خلقت، «احسن الخالقین» باشد لاجرم، این مجموعه را می‌توان از گزند خطا، مصون دانست لذا از صاحب‌نظرانی که زحمت مطالعه این کتاب را به خود می‌دهند خواهشمند است به منظور غنای این اثر در چاپهای آتی، با ارسال نظریات اصلاحی خویش به ایمیل مؤلف (towhidkhah. Supremecourt @ gmail .com)، ما را یاری فرمایند زیرا بزرگ آن است که می‌بیند، یادآوری می‌کند و می‌بخشد... لازم به ذکر است که چاپ اول این کتاب، مطابق با آخرین تغییرات قوانین تا پایان سال ۱۳۹۰ تنظیم شده است.

در خاتمه شایسته است از زحمات اساتید گرانقدر خصوصاً جناب آقای عباسعلی رحیمی اصفهانی معاون تدوین، تنقیح و انتشار قوانین معاونت حقوقی ریاست جمهوری که مرا همواره مرهون عنایات، الطاف و رهنمودهای خویش قرار دادند، همچنین جناب آقای دکتر حسن حمیدیان قاضی دیوان عالی کشور و مدرس دانشگاه، جناب آقای دکتر بهرام بهرامی قاضی سابق دیوان عالی کشور، وکیل دادگستری و عضو هیأت علمی دانشگاه، جناب آقای دکتر حسین ذبحی معاون دادستان کل کشور و جناب آقای اصغر قیم اصغری قاضی سابق دیوان عدالت اداری و وکیل دادگستری که نگارنده

را از نقطه نظرات ارزشمند خویش بهره‌مند فرمودند و نیز از همکاری خانم مژگان جعفری که تایپ نهایی را بر عهده داشتند، همچنین از مسئول محترم نشر خرسندی که مسئولیت چاپ این کتاب را تقبل نمودند تشکر و قدردانی نمائیم.

فرانک توحیدخواه

کارشناس دادگستری و مدرس دانشگاه

www.ketab.ir

پیشگفتار

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «واقسطوا إن الله يحب المقسطین»^۱ دادگری کنید، همانا خداوند دادگران را دوست دارد. همچنین در آیات ۸ و ۴۲ سوره مائده، آیه ۲۹ سوره اعراف، آیات ۷۶ و ۹۰ سوره بقره، آیه ۹ سوره حجرات، آیه ۹ سوره الرحمن، آیه ۲۵ سوره حدید، آیه ۱۲ سوره انعام و آیات ۲۱ و ۲۲ سوره ص بر عدالت و دادگری تأکید ورزیده است.^۲

برای دریافت سیمانی درست از فراز و نشیب فرهنگ‌ها و تمدن‌های گذشته، هیچ آئینه‌ای نمودارتر و پاک‌تر از آشنایی با روش دادگری و ستم‌بارگی و ستم‌زدایی مردمان پیشین نیست. گزافه نیست اگر بگوئیم جاودانه‌ترین و قهرمانانه‌ترین پیکارها، رزمیدن در آوردگاه داد و بیداد، برابری و نابرابری، آزادی و بردگی و پارسایی و پلیدی است. انسان امروز، بیش از هر زمان دیگر، نیازمند دادگری، آزادی و برابری است. عدالت، این آرزوی همیشگی انسانها، امروز نیز بیش از هر روز دست نیافتنی جلوه می‌کند. طبق اصل ۱۹ قانون اساسی، همه مردم در مقابل قوانین یکسان می‌باشند و هیچ کس به خاطر نژاد، زبان، قومیت و... بر دیگری مرجح نیست. اما تصویب قانون یکسان برای همه، به تنهایی برای تحقق عدالت مورد نظر قانونگذار کافی نیست بلکه هنگامی این آرزو دست یافتنی است که قانون بطور یکسان برای همه اجرا شود. اندیشمندان از این نکته غافل نمانده و تنها به وضع یک قانون برای همه اکتفا نکردند. بلکه برای تضمین اجرای یکسان نیز مراجعی را تأسیس نمودند. از جمله دیوان عالی کشور، که نقش نظارت و اعمال یکسان قانون را بر عهده دارد. این دیوان طبق اصل یکصد و شصت و یکم قانون اساسی، به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در دادگاه‌ها و

۱. قرآن کریم؛ سوره حجرات، آیه ۸

۲. جاویدی، مجتبی؛ سیمای حقوق در قرآن (براساس تفسیر نور)، صص ۶۰۶-۶۰۵، نشر سازمان چاپ و انتشارات، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۹.

ایجاد وحدت رویه تشکیل شده است. بنابراین دیوان ناظر بر اجرای قانون مصوب مجلس در دادگاه‌های دادگستری است.

قوانین آیین دادرسی مدنی از جمله قواعد شکلی است که برای رسیدگی به دعاوی بین اشخاص وضع شده است. اما شاید به علت جدید بودن این حوزه و عوامل دیگر از جمله تغییرات مکرر قوانین راجع به آیین دادرسی به ویژه پس از انقلاب اسلامی، کمتر به مسائل مربوط به این رشته پرداخته شده است. تغییر و تحولات مکرر و گسترده‌ای که در زمینه مقررات مربوط به آیین دادرسی انجام شده، سازمان و صلاحیت‌های دیوان عالی کشور را نیز دربر گرفته که در پاره‌ای موارد با مبنا و فلسفه‌ی تشکیل دیوان عالی کشور مغایر است. به این ترتیب به نظر می‌آید تغییرات مکرر موجب گردیده تا دیوان عالی کشور به تدریج از انجام رسالت‌هایی که برای دستیابی به آن‌ها تشکیل شده دور گردد، به گونه‌ای که رفته رفته، نقش و جایگاه دیوان را در نظارت بر اجرای قانون تضعیف نموده است. کاهش صلاحیت دیوان عالی کشور در رسیدگی فرجامی نسبت به آرای صادر شده از دادگاه‌ها از جمله این موارد است.

در این کتاب که گامی است در راستای شناخت دیوان عالی کشور، پس از بررسی تشکیلات و وظایف دیوان عالی کشور، جایگاه نظارتی دیوان عالی کشور و نحوه اعمال نظارت مدنظر قرار گرفته که در ماده یکصد و شصت و یکم قانون اساسی به طور خاص، به آن توجه شده است.

شایان ذکر است که در طول ایام پس از انقلاب، تغییرات قوانین شکلی مربوط به دادرسی بسیار زیاد بوده و نتیجه نهائی مصوبات و اصلاحیه‌های بعدی آن‌ها ایجاد تغییرات مهمی در سازمان دادرسی کشور و به تبع آن در دیوان عالی کشور بوده است از جمله ایجاد شعب تشخیص که به مرور، دیوان را وارد رسیدگی‌های ماهیتی نمود و متعاقباً حذف این شعب.

سؤال‌های اصلی که در این مورد مطرح است و در پی پاسخ گرفتن آن‌ها بوده‌ایم، عبارتند از:

۱. فلسفه وجودی دیوان عالی کشور چیست؟

۲. وظایف دیوان عالی کشور کدامند؟

۳. نظارت دیوان عالی کشور بر محاکم تالی چگونه اعمال می‌شود؟

دیوان عالی کشور که به عنوان بالاترین مرجع قضایی نقش مهمی در اجرای قانون و رسیدن به عدالت دارد، از نظام حقوقی فرانسه وارد نظام حقوقی ایران شده و با توجه

به ریشه‌ی آن مرجعی است که باید تأمین کننده برابری مردم در پیشگاه قانون، نظارت بر اجرای صحیح قوانین و ایجاد وحدت رویه قضایی در دادگاهها باشد. بنابراین برای شناخت مبنا و فلسفه تشکیل دیوان عالی کشور ناگزیر از مطالعه مختصر این نهاد در حقوق فرانسه هستیم. همچنین بررسی متون قانونی گذشته و فعلی حقوق ایران ضروریست.

این کتاب در سه فصل تنظیم شده است: در فصل اول تحت عنوان «کلیات» به بررسی سازمان قضایی ایران در ادوار تاریخ پرداخته و نیز سازمان قضایی ایران را پس از پیروزی انقلاب اسلامی بررسی می‌نماییم؛ در ادامه سعی شده ضمن مطالعه کوتاهی راجع به تشکیل دیوان عالی کشور در نظام حقوقی فرانسه و با مطالعه در حقوق ایران به مبنا و هدف ایجاد دیوان عالی کشور دست یابیم؛ سپس به تشکیلات، صلاحیت‌ها و وظایف دیوان عالی کشور، به عنوان پیش درآمدی بر سایر فصول نگاهی گذرا داریم.

در فصل دوم، دو قسمت از وظایف دیوان عالی کشور در دو مبحث جداگانه مشتمل بر «حل اختلاف در صلاحیت» و «ایجاد رویه قضایی» ارائه خواهد شد.

در فصل سوم، موارد و نحوه تجدیدنظر آراء کیفری با مرجعیت دیوان عالی کشور مورد بررسی قرار گرفته، سپس به شرح آراء قابل ارجاع و نیز آراء غیر قابل فرجام پرداخته شده و در ادامه موارد نقض آراء در دیوان عالی کشور بررسی می‌شود.

به این ترتیب، نتیجه بررسی‌های مزبور دستیابی به فرضیه‌های زیر بوده است:

۱. فلسفه وجودی دیوان عالی کشور، نظارت بر اجرای صحیح قوانین به منظور تأمین اصل برابری مردم در پیشگاه قانون است.

۲. رسیدگی در دیوان، اصولاً شکلی است نه ماهیتی؛ به استثناء شعب تشخیص دیوان عالی کشور که رسیدگی آنها ترکیبی از رسیدگی شکلی و ماهیتی است^۱.

۳. دیوان از طریق فرجام خواهی آراء فرجام خواسته، نقش نظارتی خود را اعمال می‌کنند.

۱. طبق تبصره چهارم قانون اصلاح ماده ۱۸ اصلاحی ق. ت. د.ع. ۱ مصوب ۱۳۸۵ شعب تشخیص، مأمور رسیدگی به پرونده‌هایی شدند که قبل از لازم الاجرا شدن قانون اصلاحی فوق و طبق ماده ۱۸ الحاقی ق. ت. د.ع. ۱ مصوب ۱۳۸۱ به آنها ارجاع شده و با پایان یافتن رسیدگی به این پرونده‌ها منحل می‌شوند.